

بررسی حقوق مؤلف و نارسایی‌های آن در ایران

دکتر سید حسین صفایی
استاد دانشگاه در رشته حقوق

با تشکر از برگزارکنندگان این گردهم‌آیی تخصصی، نخست راجع به مفهوم و اهمیت و مبانی نظری حقوق مؤلف و سپس در باره حقوق مادی و معنوی مؤلف و سرانجام از نارسایی‌های حقوق مؤلف در ایران سخن می‌گویم. در آغاز بحث یادآور می‌شوم که بهترین ترجمه برای کلمه کپی‌رایت، به نظر ما، حق مؤلف است. نشر یا تکثیر که گاهی به عنوان معادل کپی‌رایت آورده می‌شود جزئی از حقوق مؤلف است و این حقوق، چنان‌که خواهیم گفت، شامل حق ترجمه، حق اقتباس و تبدیل و تلخیص، حق عرضه و اجرا، حق استفاده از پاداش و جایزه و نیز حقوق معنوی مؤلف (حق اخذ تصمیم در باره انتشار، حق حرمت نام و عنوان پدیدآورنده و حق حرمت اثر) است. همه این حقوق تحت عنوان Copyright مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد که به زبان فرانسه Droits d' auteur (حقوق مؤلف) نامیده می‌شود. درخور ذکر است که مؤلف در این جا دارای معنایی عام است که شامل هنرمند نیز می‌شود. در ادبیات حقوقی ما مؤلف بدین معنا به کار رفته است که گاهی به جای آن از کلمه

پدیدآورنده استفاده می‌کنند.

اهمیت حقوق مؤلف امروزه بر هیچ کس پوشیده نیست. یکی از ابزارهای توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی توجه به حقوق مؤلف و تشویق و ترویج آن و وضع قوانین و مقررات مناسب برای حمایت از آن است. در کشورهای پیشرفته حقوق مؤلف مورد توجه خاص است. قوانین و مقررات جامعی در چند دهه اخیر در این زمینه به تصویب رسیده که بیش از پیش از این حقوق حمایت می‌کند. کنوانسیون‌های متعددی هم در این باره امضا شده که حمایت از حقوق مزبور در سطح بین‌المللی را تضمین می‌نماید.

در ایران، قبل از سال ۱۳۴۸ قانون جامعی در این خصوص وجود نداشت. در این سال «قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» مشتمل بر ۳۳ ماده به تصویب رسید که تحولی چشمگیر در حمایت از حقوق مؤلف ایجاد کرد. سپس در سال ۱۳۵۲ «قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی» مشتمل بر ۱۲ ماده تصویب شد که قانون نخستین را تا حدی تکمیل کرد. از آن جا که در این قوانین اشاره‌ای به نرم‌افزارهای رایانه‌ای که در اغلب کشورها تابع مقررات حقوق مؤلف است نشده بود، به موجب «قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای» مصوب ۱۳۷۹، مشتمل بر ۱۷ ماده، حقوق این دسته از پدیدآورندگان نیز زیر چتر حمایت قانون قرار گرفت.

پس از این مقدمه، اینک مبانی نظری، حقوق مادی مؤلف، حقوق معنوی مؤلف و نارسایی‌های حقوق مؤلف در ایران را به اختصار بررسی می‌کنیم.

الف - مبانی نظری حقوق مؤلف

در باره ماهیت حقوق مؤلف نظریه‌های مختلفی ابراز شده است. بعضی آن را از مقوله حقوق کار دانسته‌اند، زیرا این حقوق نتیجه کار فکری

پدیدآورنده است که مانند کار بدنی، بلکه بیشتر از آن، باید مورد حمایت قانون باشد. برخی آن را نوعی مالکیت تلقی کرده و بدین جهت اصطلاح مالکیت ادبی و هنری را به کار برده‌اند. این حقوق به مالکیت کلاسیک (سنتی) شباهت دارد، از این لحاظ که مانند مالکیت دارای قابلیت استناد مطلق است؛ یعنی همان طور که مالک می‌تواند در برابر هر کس به حق خود استناد کند و مال خود را همه جا تعقیب و از دست هر متجاوزی خارج کند، پدیدآورنده یک اثر ادبی یا هنری نیز دارای چنین امتیازاتی است. اما تفاوت اساسی این حقوق با مالکیت سنتی در آن است که موضوع این حقوق اثر فکری است نه یک شیء معین مادی؛ و از این رو حقوق مزبور دارای دو بخش مادی و معنوی است. وانگهی حقوق مادی مؤلف، بر خلاف مالکیت سنتی، موقت است نه دائم.

حقوق مؤلف از نظر حقوق اسلام نیز مورد بررسی فقهای معاصر واقع و مبانی نظری و فقهی آن مشخص شده است. نظریه کار، مالکیت، قاعده تسلط (التأش مسلطون علی أموالهم)، اعتبار عرف در موضوعات، عقل و بنای عقلا به عنوان مبانی فقهی و نظری حقوق مؤلف و حمایت از آن در اسلام مطرح گردیده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال جامع علوم انسانی

ب - حقوق مادی مؤلف

حقوق مؤلف دارای دو جنبه مادی و معنوی است. حقوق مادی مؤلف شامل هر گونه بهره‌برداری مالی و اقتصادی از اثر ادبی یا هنری است. این حقوق مشتمل بر موارد زیر است:

- ۱- حق نشر و تکثیر (ماده ۳ قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان):
اثر برای مردم ایجاد شده و با نشر و تکثیر در اختیار عموم گذارده می‌شود. حق نشر و تکثیر، به منظور بهره‌برداری مادی از اثر، ویژه پدیدآورنده است. البته وی می‌تواند این حق را به دیگری انتقال دهد

(ماده ۵). مثلاً مؤلف می‌تواند برای چاپ و نشر اثر با ناشری قرارداد ببندد و چند درصد از قیمت روی جلد ضرب در تعداد نسخه‌های چاپ شده را به عنوان حق التألیف دریافت کند.

چاپ و نشر اثر بدون موافقت پدیدآورنده جرم و موجب مسئولیت مدنی و کیفری است. به طور استثناء، نسخه‌برداری و تکثیر بدون قصد انتفاع (سودجویی مالی) و برای استفاده شخصی، به‌اجازه پدیدآورنده نیاز ندارد (ماده ۸).

۲- حق ترجمه: حق ترجمه اثر به زبان دیگر و بهره‌برداری مادی از آن ویژه پدیدآورنده است. شک نیست که پدیدآورنده می‌تواند این حق را به دیگری واگذار کند (بند ۵ ماده ۵).

۳- حق اقتباس و تلخیص و تبدیل: حق اقتباس و تلخیص و تبدیل اثر به منظور ایجاد یک اثر دیگر و بهره‌برداری مادی از آن نیز به پدیدآورنده اختصاص دارد (بند ۱ و ۶ و ۷ ماده ۵ و ماده ۱۹). مثلاً تبدیل کتاب به نمایشنامه یا فیلمنامه یا اقتباس از یک شعر به منظور ایجاد یک اثر نقاشی بدون موافقت پدیدآورنده ممنوع است. با وجود این، «نقل از اثرهایی که انتشار یافته است و استناد به آن‌ها به مقاصد ادبی و علمی و فنی و آموزشی و تربیتی و به صورت انتقاد و تقریظ با ذکر مأخذ، در حدود متعارف، مجاز است» (ماده ۷ قانون حمایت حق مؤلفان). حتی قانون‌گذار برای تسهیل تهیه جزوه‌های درسی ذکر مأخذ را در آن‌ها الزامی ندانسته است، مشروط به این‌که این کار جنبه انتفاعی نداشته باشد؛ لیکن این قانون قابل انتقاد به نظر می‌رسد.

۴- حق عرضه و اجرا: عرضه و اجرای آثار نمایشی و موسیقایی به منظور بهره‌برداری مادی، متعلق به پدیدآورنده است. همچنین پخش اثر از رادیو و تلویزیون و نیز ضبط تصویری یا صوتی اثر بر روی صفحه یا نوار یا هر وسیله دیگر، بدون موافقت پدیدآورنده ممنوع است (ماده ۳).

با وجود این، ضبط برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی در صورتی که برای استفاده شخصی و غیر انتفاعی باشد مجاز است (ماده ۱۱).

۵- حق استفاده از پاداش و جایزه: این حق نیز به پدیدآورنده اختصاص دارد و ناشر یا شخص دیگر نمی‌تواند ادعایی نسبت به آن داشته باشد، مگر این‌که این حق به او انتقال داده شده باشد و انتقال حقوق دیگر موجب انتقال این حق نخواهد بود.

شرط حمایت از حقوق مادی

برابر ماده ۲۲ قانون ۱۳۴۸، «حقوق مادی پدیدآورنده موقعی از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود که اثر برای نخستین بار در ایران چاپ یا بخش یا نشر یا اجرا شده باشد و قبلاً در هیچ کشوری چاپ یا نشر یا بخش یا اجرا نشده باشد». بنابراین، اگر کتابی برای نخستین بار در خارج از ایران چاپ شده باشد، در ایران، از لحاظ حقوق مادی، مورد حمایت قانون نخواهد بود. پس اگر کسی بدون اجازه پدیدآورنده آن را در ایران ترجمه و ترجمه را منتشر کند مسئولیت مدنی یا کیفری نخواهد داشت.

با وجود این، به نظر می‌رسد که «قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی» این اختیار و آزادی را محدود کرده است. بنا بر این قانون، تکثیر کتب و نشریات به همان زبان و شکلی که چاپ شده، به قصد فروش یا بهره‌برداری مادی از طریق افست یا عکس‌برداری یا طرق مشابه، بی‌اجازه صاحب حق ممنوع است. همچنین نسخه‌برداری یا ضبط یا تکثیر آثار صوتی یا برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی بدون اجازه صاحبان حق یا قائم مقام قانونی آنان ممنوع است (ماده ۲ و ۳).

در مورد تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی، حمایت‌های مذکور در قانون، ظاهراً به اتباع ایران و آثاری که نخستین بار در ایران چاپ یا نشر یا عرضه شده باشند اختصاص ندارد و بیگانگان هم به شرط رفتار متقابل

می‌توانند از این حمایت برخوردار شوند.

آنچه هنوز به نظر می‌رسد باید مشمول ماده ۲۲ قانون حمایت حق مؤلفان باشد، ترجمه کتب و نوشته‌هایی است که برای نخستین بار در خارج ایران منتشر شده‌اند، زیرا قانون ۱۳۵۲ در مورد ترجمه این آثار محدودیتی قائل نشده و می‌توان گفت ترجمه آن‌ها بی‌اجازه پدیدآورنده منع قانونی ندارد.

این استثنا از نظر اخلاقی و حسن تفاهم بین‌المللی قابل ایراد است، هر چند که از لحاظ اقتصادی توجیه دارد.

ویژگی‌های حقوق مادی پدیدآورنده

حقوق مادی پدیدآورنده دارای دو ویژگی زیر است:

اولاً قابل نقل و انتقال است، که این انتقال ممکن است به موجب قرارداد یا ارث یا وصیت باشد (ماده ۱۲). انتقال قراردادی حقوق مزبور می‌تواند معوض یا مجانی باشد. البته انتقال گیرنده، از ناشر و غیره، مکلف است نام پدیدآورنده را با عنوان و نشانه ویژه معرف اثر «همراه اثر یا روی نسخه اصلی یا نسخه‌های چاپی یا تکثیرشده به روش معمول و متداول» اعلام و درج کند، مگر این‌که پدیدآورنده با ترتیب دیگری موافقت کرده باشد (ماده ۱۸).

ثانیاً حقوق مادی پدیدآورنده موقت است. این حقوق در طول حیات پدیدآورنده و بعد از مرگ او به مدت سی سال باقی است (ماده ۱۲). در مورد ترجمه نیز مدت حقوق مادی طول حیات مترجم و سی سال پس از مرگ اوست (ماده ۱ قانون ترجمه و تکثیر).

پس از انقضای این مدت، اثر جزء دارایی فکری و معنوی جامعه می‌شود و هر کس می‌تواند با رعایت حقوق معنوی پدیدآورنده از آن بهره‌برداری کند.

درخور ذکر است که در پاره‌ای موارد استثنایی، قانون، مدت حمایت را افزایش یا کاهش داده است. مثلاً مدت حمایت از اثر مشترک تا سی سال بعد از فوت آخرین پدیدآورنده است (ماده ۱۲)، یا در موردی که بهره‌برداری مالی از اثر به موجب قرارداد به شخص دیگری منتقل شده باشد، انتقال گیرنده می‌تواند فقط تا سی سال پس از واگذاری اثر از آن بهره‌برداری کند، مگر این‌که برای مدت کمتری توافق شده باشد (ماده ۱۴)، یا در مورد اثرهای سینمایی یا عکاسی، مدت حمایت به‌سی سال از تاریخ نشر یا عرضه‌اثر محدود شده است (ماده ۱۶).

ج- حقوق معنوی مؤلف

حقوق معنوی حقوقی است که مربوط به شخصیت مؤلف و برای حمایت از آن است و جنبه مالی ندارد. این حقوق نیز مورد حمایت قانون واقع شده و دارای ضمانت اجرایی مدنی و کیفری است.

حقوق معنوی را می‌توان مشتمل بر حقوق زیر دانست:

۱- حق اخذ تصمیم در باره انتشار: که اختصاص به پدیدآورنده دارد و نمی‌توان او را مجبور به انتشار اثر کرد. در واقع، نشر اثر برخلاف میل و رضای پدیدآورنده، تجاوز به شخصیت او به حساب می‌آید.

۲- حق حرمت نام و عنوان پدیدآورنده: پدیدآورنده می‌تواند انتشار اثر را با نام و عنوان خود (مانند عنوان علمی و غیر آن) بخواهد و نشر اثر بدون نام پدیدآورنده یا با نام مشخص دیگر یا با نام مستعار، بدون موافقت پدیدآورنده، ممنوع و قابل مجازات است، اگر چه زیان مادی برای او نداشته باشد. در مورد ترجمه هم ذکر نام مترجم در تمام موارد استفاده الزامی است (ماده ۱ قانون ترجمه و تکثیر).

۳- حق حرمت اثر: هیچ‌کس حق ندارد یک اثر ادبی یا هنری را بدون موافقت پدیدآورنده تغییر دهد، اگر چه تغییر اندک باشد.

ویژگی‌های حقوق معنوی پدیدآورنده حقوق معنوی پدیدآورنده دارای ویژگی‌های زیر است:

اولاً غیر قابل انتقال است: از آن‌جا که این حقوق به شخصیت پدیدآورنده بستگی دارد، نمی‌توان آن را به موجب قرارداد به غیر انتقال داد. به دیگر سخن، این حقوق از جریان داد و ستد خارج است. گرچه ماده ۴ قانون حمایت حقوق مؤلفان این حقوق را به طور مطلق غیر قابل انتقال معرفی کرده است، لیکن با توجه به این‌که برابر همین ماده حقوق مزبور محدود به زمان نیست و نیز ماده ۲۶ قانون، برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بعد از سپری شدن مدت حقوق مادی، عنوان شاکی خصوصی در صورت تجاوز به حقوق معنوی پدیدآورنده قائل شده است، می‌توان گفت ماده ۴ فقط ناظر به انتقال از طریق قرارداد بین زندگان است و این حقوق قابل انتقال از طریق ارث و وصیت است. در واقع، ورثه ادامه‌دهنده شخصیت متوفی و قائم‌مقام او در حقوق معنوی پدیدآورنده هستند.

بنابراین، ورثه در مدت بقای حقوق مادی می‌توانند به عنوان شاکی خصوصی از تجاوز به حقوق معنوی پدیدآورنده شکایت کنند و بعد از انقضای این مدت، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نگهبان حقوق معنوی مؤلف و هنرمند و قائم‌مقام او خواهد بود.

ثانیاً محدود به زمان و مکان نیست (ماده ۴): محدود به زمان نیست، بدین معنا که دائمی است و با گذشت زمان ساقط نمی‌شود. محدود به مکان نیست، یعنی محل اقامت پدیدآورنده یا محل انتشار یا عرضه اثر و هر عامل مکانی دیگر در آن بی‌تأثیر است.

بنابراین، حقوق معنوی پدیدآورنده در صورتی که اثر برای نخستین بار در خارج از ایران منتشر شده باشد، از نظر قانونی، قابل حمایت است.

د - نارسایی های قوانین ۱۳۴۸ و ۱۳۵۲

قانون «حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» و قانون «ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی»، با این که تحولی در حمایت از حقوق مؤلف ایجاد کرده و متضمن قواعد و ضوابط جدیدی است که در کشورهای پیشرفته نیز پذیرفته شده است، دارای نارسایی هایی است و نیاز به اصلاح و تکمیل دارد.

اهم اشکالات و نارسایی های قوانین ایران را می توان به ترتیب زیر خلاصه کرد:

۱. در قوانین ایران به برخی از قواعد مهم حق مؤلف و هنرمند تصریح نشده است. مانند این قاعده که حمایت به شکل اثر، صرف نظر از محتوای آن، تعلق می گیرد و فکر بدون شکل به دارایی عمومی تعلق دارد و همه می توانند از آن برخوردار شوند؛ یا این قاعده که اثری مورد حمایت قانون است که اصیل باشد و اصلت در این جا دارای مفهوم شخصی است نه نوعی، بدین معنا که آنچه شرط حمایت محسوب می شود این است که اثر مظهر شخصیت پدیدآورنده باشد، ولی تازگی آن از لحاظ موضوع شرط نیست. مثلاً اگر دو نقاش، یکی پس از دیگری، از یک منظره طبیعی تابلوهای مشابهی بکشند، بی آن که یکی از دیگری تقلید کند، هر دو اثر اصیل تلقی می شوند و مورد حمایت قانون اند، هر چند که تابلو دوم از لحاظ موضوع تازگی ندارد.

۲. حقوق معنوی پدیدآورنده تعریف نشده و به طور مطلق قابل انتقال معرفی گردیده است که قابل ایراد است.

۳. قرارداد چاپ و نشر در قوانین ایران تنظیم نشده و، به دیگر سخن، مقرراتی راجع به آن در قانون نیامده است، در حالی که شایسته است قانونگذار مقرراتی در این خصوص برای حمایت از حقوق پدیدآورندگان و ناشران و تنظیم شایسته روابط آنان وضع کند، چنان که

در حقوق کشورهای پیشرفته (مانند فرانسه) مقررات جامعی در این زمینه وضع شده است.

۴. مدت حمایت از حقوق مؤلف و هنرمند تا سی سال بعد از فوت پدیدآورنده است، در حالی که در کنوانسیون‌های بین‌المللی و قوانین اغلب کشورهای توسعه‌یافته این مدت ۵۰ سال است.

۵. قوانین ایران در مورد آثاری که بدون نام پدیدآورنده یا نام مستعار منتشر می‌شود ساکت است، در حالی که در قوانین کشورهای توسعه‌یافته مقرراتی در این زمینه دیده می‌شود.

۶. مدت حمایت از اثری که به شخص حقوقی واگذار شده سی سال از تاریخ نشر یا عرضه اثر است (بند ب ماده ۱۶)، حال آن‌که برای حمایت بیشتر از حقوق پدیدآورنده شایسته است بعد از پایان مدت بهره‌برداری انتقال‌گیرنده، حقوق مادی از آن پدیدآورنده و تا سی سال بعد از فوت او از آن ورثه پدیدآورنده باشد. کوتاه کردن مدت حمایت، در صورتی که حق بهره‌برداری به شخص حقوقی انتقال یافته باشد، توجیه منطقی ندارد.

۷. قوانین ایران ذکر مأخذ را در مورد جزوهای درسی که بدون قصد انتفاع منتشر می‌شود لازم ندانسته است (ماده ۷) که قاعده مناسبی به نظر نمی‌رسد و چه بسا موجب سوءاستفاده خواهد شد.

۸. قوانین ایران از آثار اتباع بیگانه به اندازه کافی حمایت نمی‌کند، بدین معنا که اگر اثر برای اولین بار در خارج از ایران منتشر شده باشد مورد حمایت قانون نخواهد بود (ماده ۲۶)؛ لیکن اگر ما حقوق مؤلف را از حقوق فطری و طبیعی بدانیم، نباید تفاوتی بین خودی و بیگانه در این خصوص قائل شویم؛ وانگهی هماهنگی با جامعه بین‌الملل و حمایت از آثار اتباع ایران در خارج کشور اقتضا می‌کند که قوانین ایران از آثار فکری بیگانگان به شرط رفتار متقابل حمایت کنند.

در پایان به دو نکته اشاره می‌کنم:

اول، مسأله الحاق ایران به کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق مؤلف خصوصاً کنوانسیون برن است که موافقان و مخالفانی دارد. به نظر ما الحاق به این کنوانسیون‌ها به مصلحت ایران است، زیرا: اولاً به اعتبار بین‌المللی ایران می‌افزاید و پیوستن ایران به سازمان جهانی تجارت را که مورد توجه دولت است تسهیل می‌کند؛ ثانیاً موجب حمایت بیشتر از آثار پدیدآورندگان ایرانی در خارج کشور و گسترش برون‌مرزی فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی خواهد شد؛ ثالثاً از نظر اقتصادی گمان نمی‌رود مشکل زیادی برای کشور ایجاد کند.

در زمینه نشر کتاب، مشکلی که برخی از صاحب‌نظران را به مخالفت با الحاق ایران به کنوانسیون‌های بین‌المللی واداشته، افزایش بهای کتاب‌های ترجمه‌ای مورد نیاز کشور است. لیکن به نظر می‌رسد که الحاق به یک کنوانسیون بین‌المللی تأثیر زیادی در افزایش بهای کتاب ندارد، زیرا در این کنوانسیون‌ها تسهیلاتی برای کشورهای جهان سوم، خصوصاً در ترجمه کتاب‌هایی که سه سال و در مواردی یک سال از تاریخ نخستین نشر آن‌ها گذشته باشد، در نظر گرفته شده است. به علاوه، پدیدآورندگان یا ناشران خارجی برای ترجمه کتاب به زبانی مانند فارسی مبلغ زیادی مطالبه نمی‌کنند و افزایشی که برای کسب موافقت آنان در بهای کتاب حاصل می‌شود ناچیز است. وانگهی، دولت که هر ساله بودجه‌ای درخور ملاحظه را به حمایت از نشر کتاب و توسعه علم و فرهنگ اختصاص می‌دهد، می‌تواند مبلغی را برای کمک به ناشران بابت اخذ مجوز ترجمه از مؤلفان یا ناشران خارجی اختصاص دهد که گمان نمی‌رود بودجه هنگفتی برای این کار لازم باشد. گفتنی است که پذیرفته شدن ایران در سازمان جهانی تجارت مستلزم قبول اصول کنوانسیون برن راجع به حقوق مؤلف است، زیرا این اصول در «موافقت‌نامه راجع به جنبه‌های تجاری

حقوق مالکیت معنوی» (TRIPS) که جزء لاینفک پیوستن به سازمان جهانی تجارت است، قید شده است. البته الحاق به کنوانسیون برن قبل از پیوستن به سازمان تجارت جهانی می‌تواند زمینه‌ساز پذیرش ایران در این سازمان باشد.

دوم، این‌که برای حمایت از حق مؤلفان و هنرمندان، قانون تنها، هر قدر کامل باشد، کافی نیست بلکه فرهنگ‌سازی در این زمینه اهمیت بسزا دارد. باید فکر حمایت از حقوق مؤلفان و احترام به این حقوق در جامعه تقویت شود و در این زمینه کار فرهنگی پی‌گیر لازم است. به علاوه، برای حمایت از حقوق پدیدآورندگان باید تشکّل‌های مردمی و مؤسسات غیر دولتی، که به نمایندگی از پدیدآورندگان حقوق آنان را استیفا کنند و متخلفان و متعديان به این حقوق را مورد تعقیب قرار دهند و جبران خسارات وارد شده به پدیدآورندگان را به نمایندگی از آنان از طرق قانونی مطالبه کنند، تأسیس گردند. در این زمینه مقررات کنونی کافی نیست و باید مقررات جامعی، بدان گونه که در کشورهای پیشرفته دیده می‌شود، برای تأسیس این تشکّل‌ها و مؤسسات و نحوه فعالیت آن‌ها وضع گردد. خوشبختانه پیش‌نویس قانون جدیدی در باره حقوق مؤلف با همکاری وایپو (سازمان جهانی مالکیت معنوی) در دست تهیه است که نارسایی‌های قوانین فعلی در آن کمتر دیده می‌شود و هماهنگ با تحولات جهانی حقوق مؤلف است.

پرسش و پاسخ

پرسش: موضوعی که درباره حق معنوی فرمودید، علی القاعده، خود قانون در ماده ۴ به آن اشاره دارد. مشکلی که در این ماده وجود دارد - که نهایتاً در قانون نویسی های بعدی هم با آن مواجه خواهیم شد - در ارتباط با حقوق معنوی است که صریحاً می گوید این حق دائمی است و قابل انتقال نیست. من قبلاً هم دیده ام که شما فرموده اید یک تعارض شدید بین این دو گفته در یک ماده کوتاه وجود دارد. به چه شکل می توان این تعارض را حل کرد؟ چون اگر قرار باشد یک حقی قابل انتقال نباشد، چه نیازی به ذکر دائمی بودن است. در ضمن، اگر قرار باشد حق معنوی را بعد از خود پدید آورنده کسی تعقیب کند، وقتی براساس وصیت قابل انتقال به ورثه نیست، سازمان های دولتی هم نمی توانند اجرا کنند. نهایتاً اگر قرار باشد قانون عوض شود، به چه شکلی باید نوشته شود که این مشکل را حل کند؟

پاسخ: خیلی متشکرم. سؤال خیلی مهمی کردید. البته، همان طور که فرمودید، من یک تفسیر معقولی، به نظر خودم، از این ماده دارم که با توجه به حقوق تطبیقی و کنوانسیون های بین المللی است. می گویند این حقوق معنوی مؤلف از طریق قرارداد قابل انتقال نیست، ولی چون ورثه ادامه دهنده شخصیت مورث هستند، بنابراین بعد از فوت پدید آورنده، حمایت از حقوق معنوی و شکایت از تجاوز به حقوق معنوی متعلق به ورثه است. ورثه این کار را انجام می دهند و بعد از پایان مدت حمایت مادی، که در قانون ما ۳۰ سال است، شاکی خصوصی وزارت ارشاد است، یعنی این حق باقی است. پس، طبق قانون فوق، این حق باقی است و تجاوز به این حق، حتی بعد از پایان ۳۰ سال، ضمانت اجرا دارد و شاکی

خصوصی هم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است که می‌تواند شکایت کند و جلو تجاوز به حقوق معنوی مخصوصاً جلو تحریف و تغییر اثر را بگیرد. متأسفانه، در عمل، ما تجاوز به حقوق معنوی مؤلف را زیاد می‌بینیم؛ مخصوصاً وقتی که مدت می‌گذرد و ۳۰ سال منتفی می‌شود، می‌آیند اثر را تغییر می‌دهند و هر طور دلشان می‌خواهد تحریف می‌کنند و این برخلاف حقوق معنوی مؤلف است. خلاصه، این تفسیر من با توجه به حقوق کشورهای دیگر و کنوانسیون‌های بین‌المللی است که می‌گوید قابل انتقال نیست، یعنی به موجب قرارداد قابل انتقال نیست، نه به موجب ارث.

پرسش: سؤال بنده راجع به قانون ترجمه و تکثیر است (ماده ۲ و ماده ۶). به نظر می‌رسد که با هم تعارض دارند. در ماده ۲ ذکر شده است که تکثیر کتب و نشریات به همان زبان بدون اجازه صاحب حق ممنوع است، ولی در ماده ۶ آمده است که حمایت‌های این قانون در مورد اتباع سایر کشورها هنگامی جاری است که عهدنامه متقابل وجود داشته باشد. به نظر بنده، اگر ماده ۲ را شامل مؤلفان خارجی هم بدانیم، بین این دو ماده تعارض وجود دارد، مگر این‌که بگوییم ماده ۲ فقط شامل اتباع ایرانی است که آثارشان را به زبان‌های دیگر چاپ می‌کنند. نظر جناب عالی چیست؟

پاسخ: بنده تعارضی نمی‌بینم. یعنی فکر می‌کنم مواد را باید به کمک هم تفسیر کنیم و با هم بخوانیم. به تعبیر دیگر، ماده ۲ می‌گوید تکثیر کتب و نشریات به همان زبان و شکلی که چاپ شده است، به قصد فروش یا بهره‌برداری مادی از طریق چاپ افست یا عکس‌برداری یا طرق مشابه، بدون اجازه صاحب حق، ممنوع است. ماده ۶ هم برای خارجی‌ها یک شرط اضافه می‌کند، یعنی این قاعده را شامل خارجی‌ها هم می‌داند، با این شرط که عهدنامه یا رفتار متقابلی وجود داشته باشد (رفتار متقابل قانونی یا رفتار متقابل عملی). این دو با هم منافاتی ندارند، بلکه فقط یک

شرط برای حمایت از آثار خارجی اضافه می‌شود. به این ترتیب، بنده فکر می‌کنم تکثیر کتاب‌ها و نشریات خارجی که در خارج منتشر شده، مطابق قانون ما، بدون موافقت صاحب حق جرم است، به شرط این‌که عهدنامه یا رفتار متقابل وجود داشته باشد، یعنی در خارج هم از آثار ایرانی حمایت کنند.

